

بازنمایی گفتمان قدرت در پوشاک درباری مردان عصر باروک فرانسه: تحلیل شمایل‌شناسانه پُرتره‌های هایسنت ریگود

چکیده

در قرن هفدهم فرانسه، پوشش مردانه در دربار لویی چهاردهم از کارکردی صرفاً زینتی فراتر رفت و به ابزاری راهبردی برای بازنمایی قدرت سیاسی تبدیل شد. باوجود پیوند تنگاتنگ عصر باروک با تجمل‌گرایی و فرهنگ نمایشی، سازوکار به‌کارگیری مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی این سبک در پوشاک مردانه برای بازنمایی قدرت، چندان مورد واکاوی نظام‌مند قرار نگرفته است. این پژوهش با هدف تبیین چگونگی تبدیل عناصر زیبایی‌شناسی باروک در پوشاک مردانه به ابزاری برای بازنمایی قدرت سیاسی، به تحلیل شمایل‌شناسانه مجموعه‌ای منسجم از پُرتره‌های هایسنت ریگود، به‌ویژه پُرتره کانونی لویی چهاردهم، پرداخته است. پژوهش با رویکرد کیفی، روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر چارچوب شمایل‌شناسی، از طریق کُدگذاری مؤلفه‌های بصری در سه سطح توصیفی، دلالتی و ایدئولوژیک انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد عناصر پوشاک از طریق تثبیت نشانه‌های اشرافیت در سطح دلالت ثانویه و پیوند با گفتمان حق الهی پادشاهی، به سازوکاری برای طبیعی‌سازی اقتدار تبدیل شده‌اند. تحلیل تطبیقی سایر پُرتره‌های اعضای خاندان بوربون و درباریان، استمرار و تحول این الگوهای بصری را در طول چهار دهه آشکار می‌سازد. نتیجه آنکه ریگود با به‌کارگیری زبانی بصری منسجم، سلسله‌مراتب قدرت را در قالب پوشاک عینیت بخشید و پُرتره‌های او را به اسنادی معتبر از فرهنگ بصری و هژمونی سیاسی فرانسه در سده‌های هفدهم و هجدهم بدل ساخته است.

واژه‌های کلیدی

پُرتره‌نگاری باروک، پوشاک درباری، لویی چهاردهم، هایسنت ریگود، شمایل‌شناسی

پوشاک در طول تاریخ همواره فراتر از کارکرد پوششی، به مثابه رسانه‌ای برای بازنمایی هویت، منزلت اجتماعی و اقتدار عمل کرده است. در این میان، پوشش درباری فرانسه در قرن هفدهم، به‌ویژه در عصر لویی چهاردهم، نمونه‌ای برجسته از به‌کارگیری آگاهانه پوشاک در خدمت اهداف سیاسی به شمار می‌رود. با وجود آنکه سبک باروک، با مؤلفه‌هایی چون تجمل‌گرایی، درام بصری و نمادپردازی پیچیده شناخته می‌شود (Lyons, 2019, 32)، سازوکار به‌کارگیری این مؤلفه‌ها در پوشاک مردانه برای بازنمایی قدرت، به‌ویژه در پرتره‌های درباری، در پژوهش‌های داخلی مورد واکاوی نظام‌مند قرار نگرفته است. پژوهش‌های موجود در داخل کشور بیشتر به جنبه‌های عمومی سبک باروک، پوشاک زنان یا مطالعات تطبیقی میان ایران و اروپا معطوف بوده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز مطالعات انجام‌شده عمدتاً بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سبک‌شناختی مد‌درباری متمرکز بوده و تحلیل شمایل‌شناسانه پوشاک مردان در پرتره‌های یک نقاش خاص، مورد توجه قرار نگرفته است. از این حیث، انجام مطالعه‌ای متمرکز بر تحلیل شمایل‌شناسانه پوشاک مردان در پرتره‌های هایسنت ریگود^۱ که با رویکردی سیاسی محور به واکاوی دلالت‌های نمادین عناصر پوشاک در بازنمایی قدرت بپردازد، ضروری می‌نماید. چنین پژوهشی می‌تواند شکاف موجود میان پژوهش‌های پیشین را که عمدتاً بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سبک‌شناختی مد‌درباری متمرکز بوده‌اند، پر نماید.

لویی چهاردهم، ملقب به پادشاه خورشید، با ترویج رقابت درباریان در عرصه مد و وضع قوانین سختگیرانه در باب پوشاک، از آن به‌عنوان ابزاری برای تثبیت سلطنت مطلقه و تقویت صنایع نساجی فرانسه بهره برد (DeJean, 2005, 123). در همین دوره، هایسنت ریگود به‌عنوان نقاش رسمی دربار، با نمایش بافت منسوجات فاخر و به‌کارگیری نورپردازی دراماتیک، شکوه باروک را در پرتره‌های درباری بازنمایی کرد. پرتره لویی چهاردهم اثر ریگود، که به‌عنوان شاخص‌ترین نمونه پرتره‌نگاری قدرت در اروپا شناخته می‌شود، به‌دلیل نمایش دقیق عناصر پوشاک درباری و نمادهای اقتدار، مطالعه موردی مناسبی برای واکاوی این پیوند به‌شمار می‌آید.

هدف این پژوهش، تبیین چگونگی تبدیل عناصر زیبایی‌شناسی باروک در پوشاک مردانه به ابزاری برای بازنمایی قدرت سیاسی در پرتره‌های ریگود است. پرسش اصلی آن است که عناصر پوشاک در پرتره لویی چهاردهم و سایر آثار ریگود چگونه و با بهره‌گیری از کدام مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی، به بازنمایی مفاهیمی چون مشروعیت سلطنتی، تمایز طبقاتی و هویت دوگانه نظامی-درباری یاری رسانده‌اند؟ فرضیه پژوهش آن است که هر یک از عناصر پوشاک با دلالت بر مفاهیم نمادین مشخص، در چارچوب زیبایی‌شناسی باروک به نظامی نشانه‌شناختی برای بازنمایی قدرت تبدیل شده‌اند. بررسی این جنبه از فرهنگ مادی، پیوند زیبایی‌شناسی باروک با ساختارهای سیاسی-اجتماعی را آشکار می‌نماید و به درک نقش مد در تثبیت هژمونی سیاسی و فرهنگ بصری قرن هفدهم یاری می‌رساند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با هدف تبیین سازوکار بازنمایی قدرت در پوشاک درباری، بر مبنای تحلیل شمایل‌شناسانه انجام شده است. این روش در سنت مطالعات فرهنگ بصری و تفسیر نظام‌مند تصویر ریشه دارد (Rose, 2016, 52-77). روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با جهت‌گیری تطبیقی است. جامعه پژوهش شامل پرتره‌های رسمی خلق‌شده توسط هایسنت ریگود در فاصله سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۷۲۰ میلادی است که در بستر تثبیت سلطنت مطلقه فرانسه شکل گرفته‌اند. از میان این آثار، سیزده پرتره به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. معیارهای انتخاب شامل رسمی بودن اثر، نمایش کامل یا نیم‌تنه با تأکید بر پوشاک درباری، وضوح عناصر نمادین قدرت و تعلق سوژه به هسته قدرت سیاسی یا ساختار درباری بوده است. در این میان، پرتره رسمی لوئی چهاردهم به‌عنوان نمونه کانونی در نظر گرفته شد که در چارچوب آیین‌های بازنمایی اقتدار سلطنتی تولید شده است.

گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و براساس نسخه‌های معتبر تصویری آثار و منابع تخصصی تاریخ هنر و فرهنگ درباری فرانسه صورت گرفته است. واحد تحلیل در این پژوهش الگوی سازمان‌دهی عناصر پوشاک در هر پرتره است؛ بدین معنا که ترکیب منسوجات، رنگ‌ها، تزئینات و نشانه‌های قدرت در چارچوب کلی تصویر استخراج و در سه سطح تحلیل شمایل‌شناسانه تفسیر شده‌اند.

(Panofsky, 1939, 3-17). فرایند تحلیل در سه مرحله سامان یافته است: در مرحله نخست، توصیف پیشاشمایل نگارانه انجام شده و عناصر دیداری ثبت و طبقه‌بندی شده‌اند تا داده‌های عینی از لایه تفسیری اولیه تفکیک شوند. در مرحله دوم، عناصر شناسایی شده در نسبت با رمزگان‌های فرهنگی و تاریخی عصر باروک تفسیر شده‌اند. در مرحله سوم، شبکه دلالت‌های حاصل از دو سطح پیشین در پیوند با گفتمان سلطنت مطلقه تحلیل شده است؛ در اینجا گفتمان به معنای مجموعه‌ای از نظام‌های معنایی و نمادین در نظر گرفته می‌شود که در بستر فرهنگ درباری و سازوکارهای بازنمایی بصری، به تثبیت و مشروعیت‌بخشی قدرت سیاسی یاری می‌رسانند. راهبرد تطبیقی پژوهش نیز در مقایسه الگوهای بازنمایی قدرت در پرتو کانونی با سایر نمونه‌ها تحقق یافته است.

پیشینه پژوهش

مطالعه پیوند میان پوشاک و قدرت در دوره باروک، به‌ویژه در دربار فرانسه، از منظرهای گوناگون مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی بوده است. با این حال، تمرکز بر تحلیل شمایل‌شناسانه جزئیات پوشاک مردان در پرتوهای هایسنت ریگود و نسبت آن با بازنمایی قدرت سیاسی، تاکنون به‌صورت نظام‌مند واکاوی نشده است. پژوهش‌های مرتبط با موضوع، در دو دسته مطالعات داخلی و خارجی مرور و ارزیابی می‌شوند تا جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر روشن گردد. پژوهش‌های انجام‌شده در ایران درباره پیوند پوشاک و سبک باروک عمدتاً به دو حوزه مطالعات تطبیقی و تحلیل‌های سبک‌شناختی عمومی معطوف بوده‌اند. ابدیخواه فتیده و محمودی عالمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نمود سبک‌های هنری باروک و روکوکو در پوشاک بانوان»، تفاوت‌های طراحی لباس و تزئینات را در این دو سبک بررسی کرده‌اند. تمرکز این پژوهش بر پوشاک زنان و وجوه تزئینی صرف است و از این رو، به کارکردهای سیاسی پوشاک مردان که در کانون پژوهش حاضر قرار دارد، نمی‌پردازد. نادری (۱۳۹۹) در مقاله «مطالعه تطبیقی سبک باروک در ادبیات و نقاشی» با روش توصیفی-تحلیلی، به بیان ویژگی‌های مشترک همچون پویایی و مضمون مرگ درحوزه ادبیات و نقاشی پرداخته و به درک بینامتنی باروک یاری رسانده است، اما به پوشاک به‌مثابه رسانه‌ای مستقل برای بازنمایی قدرت نمی‌پردازد. سعادت‌فر (۱۳۹۸) در مقاله «درآمدی بر تحلیل ساختاری روابط بینامتنیت در نقاشی باروک (بر اساس بینامتنیت صریح و ضمنی در نظریه‌ی ژرار ژنت)» با بهره‌گیری از نظریه بینامتنیت ژرار ژنت، روابط معنایی میان نقاشی‌های باروک را تحلیل کرده است. رویکرد او در شناسایی ارجاعات تصویری میان آثار، برای مطالعه پرتوهای درباری مفید است، اما پرسش از چگونگی بازنمایی قدرت در پوشاک را پی نمی‌گیرد. درحوزه مطالعات تطبیقی میان ایران و اروپا، به پژوهش جلیلی (۱۳۹۶) با عنوان «مطالعه تطبیقی پوشاک در مکتب اصفهان با مکتب باروک» که بر پایه تصویرپژوهی، شباهت‌ها و تفاوت‌های پوشش مردان و زنان ایرانی و اروپایی را در بازه ۱۵۹۰-۱۷۲۰ میلادی کاویده و به نقش مذهب در شکل‌گیری پوشاک اشاره کرده است. همچنین احمدخانی (۱۳۹۷) در پژوهشی تطبیقی با عنوان «مطالعه تطبیقی پارچه و لباس‌های دوره صفویه و دوره باروک اروپا»، تأثیر پارچه و لباس‌های دوره صفویه بر پوشاک باروک اروپا را با تمرکز بر نقاشی‌های رامبرانت بررسی کرده و بر دادوستد فرهنگی میان دو تمدن تأکید ورزیده است. هر دو پژوهش، به تعاملات فرهنگی پرداخته‌اند و فاقد رویکرد شمایل‌شناسانه نظام‌مند برای تفسیر معانی عمیق‌تر قدرت در پوشاک درباری هستند. در پژوهش‌های خارجی، مطالعه رابطه میان پوشاک و قدرت در دربار لویی چهاردهم سابقه طولانی‌تری دارد. پیتر بورک^۲ در کتاب، «ساخت لویی چهاردهم» به تفصیل نشان داده است که چگونه تصویر عمومی پادشاه از طریق هنر، آیین‌ها و پوشاک ساخته و پرداخته شد (Burke, 1992: 56-78). تمرکز بورک بر سازوکارهای پروپاگاندای سیاسی^۱ و فرهنگ نمایشی دربار است و اگرچه به پوشاک به‌عنوان یکی از عناصر این فرهنگ اشاره می‌کند، اما تحلیل شمایل‌شناسانه پوشاک در پرتوهای خاص، خارج از حیطه اصلی پژوهش او قرار دارد. فیلیپ میلر^۳ در کتاب، «مد و پوشش در فرانسه لویی چهاردهم» با اتکا بر اسناد تاریخی، پیوند میان مد، اقتصاد و سیاست را در این دوره واکاوی کرده است (Miller, 2019, 101-134). میلر با تمرکز بر نقش پادشاه در ترویج صنعت نساجی فرانسه و نظم‌بخشی به پوشاک درباری، ابعاد اقتصادی و اجتماعی مد را برجسته می‌سازد. با این حال، اثر او بیشتر معطوف به سیاست‌های کلان مد است و از منظر شمایل‌شناسی سیاسی به تحلیل پرتوهای ریگود نمی‌پردازد. الکساندر مارال^۴ در کتاب، «پرتو نگاری در دربار لویی چهاردهم»^۵ مجموعه‌ای از پرتوهای درباری را از منظر تاریخ هنر بررسی کرده است (Maral, 2016, 43-67). او به جایگاه ریگود به‌عنوان چهره‌پرداز اصلی دربار و ویژگی‌های سبکی او اشاره دارد، اما پرسش اصلی او نه بازنمایی قدرت

از طریق جزئیات پوشاک، بلکه تحول سبک پرتره‌نگاری درباری است. ویتوریا ساندرز در مقاله‌ای با عنوان «پرتره‌نگاری باروک و زیبایی‌شناسی قدرت»^{۱۸} چگونگی بازتاب مفاهیم قدرت در پرتره‌های اروپایی سده هفدهم را تحلیل کرده است (Saunders, 2022, 2470-2456). او با تأکید بر نقش نورپردازی کیاروسکورو و منسوجات فاخر، پرتره لویی چهاردهم اثر ریگود را یکی از شاخص‌ترین نمونه‌ها می‌داند. اگرچه ساندرز به رابطه زیبایی‌شناسی باروک و قدرت اشاره دارد، اما تحلیل او عمدتاً معطوف به ویژگی‌های سبکی عمومی همانند نورپردازی و بافت منسوجات است و پوشاک را به‌مثابه یک نظام نشانه‌شناختی منسجم در بازنمایی قدرت واکاوی نمی‌کند. به عبارتی، در پژوهش ساندرز، پوشاک یکی از چندین عنصر سبکی است که در کنار سایر مؤلفه‌ها مانند ژست و ترکیب‌بندی به آن نگرسته می‌شود، حال آنکه در پژوهش حاضر، پوشاک خود به‌عنوان متن اصلی تحلیل قرار گرفته و جزئیات آن شامل نوع پارچه، رنگ، گلدوزی، اکسسوری در پیوند با مفاهیم دقیق‌تری چون مشروعیت موروثی، هویت دوگانه نظامی-درباری و تمایزات درون‌سلسله‌مراتبی بررسی می‌شوند. افزون بر این، تمرکز ساندرز بر چندین نقاش و چندین دربار اروپایی است، در حالی که پژوهش حاضر با محدود کردن دامنه به مجموعه پرتره‌های ریگود، امکان ردیابی الگوهای بصری تکرارشونده و تحول‌یابنده قدرت را در طول چهار دهه و در بازنمایی اعضای گوناگون یک خاندان فراهم می‌آورد.

سوزان کاویلیا در کتاب «پوشاک درباری: پوشاک و هویت در اروپای مدرن نخستین»^{۱۹} به کارکردهای اجتماعی پوشاک در دربارهای اروپایی پرداخته و نمونه‌هایی از فرانسه، اسپانیا و انگلستان را بررسی کرده است (Caviglia, 2022, 56-89). اگرچه کاویلیا به رابطه پوشاک و هویت درباری توجه دارد، اما رویکرد او عمدتاً جامعه‌شناختی و تطبیقی است و پوشاک را در بسترهای گوناگون فرهنگی با نگاهی کلان به کارکردهای اجتماعی آن بررسی می‌کند. در مقابل، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و مبتنی بر شمایل‌شناسی سیاسی، صرفاً به مطالعه پوشاک مردان در چارچوب فرهنگ درباری فرانسه و خاندان بوربون محدود می‌شود. به عبارتی، کاویلیا به پرسش از کارکرد اجتماعی پوشاک در میان دربارهای مختلف می‌پردازد، حال آنکه این پژوهش در پی واکاوی چگونگی بازنمایی قدرت در جزئیات پوشاک یک خاندان خاص و در پرتره‌های یک نقاش معین است. افزون بر این، تمرکز کاویلیا بر تنوع جغرافیایی و تطبیق میان چندین دربار، امکان تعمیق در تحلیل نظام نشانه‌شناختی منسجم حاکم بر پوشاک یک دربار را فراهم نمی‌آورد؛ در حالی که پژوهش حاضر به ردیابی الگوهای بصری تکرارشونده و تحول‌یابنده قدرت در طول چهار دهه و در بازنمایی اعضای گوناگون یک خاندان می‌پردازد. بدین‌سان، این مطالعه نه تنها از حیث تمرکز جغرافیایی و تاریخی، بلکه از منظر روش‌شناختی با پژوهش کاویلیا تمایز بنیادین دارد. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که پیوند میان مد و قدرت در دربار لویی چهاردهم موضوعی شناخته‌شده است، اما کانون توجه این پژوهش‌ها عمدتاً بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سبک‌شناختی متمرکز بوده است. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که به تحلیل شمایل‌شناسانه پرتره‌های درباری پرداخته‌اند، یا دامنه‌ای گسترده داشته‌اند که مانع از تعمیق در مطالعه یک نقاش خاص شده، یا پرسش اصلی خود را معطوف به جنبه‌های دیگر مانند تحول سبک یا بازنمایی هویت فردی کرده‌اند. در ایران نیز مطالعات موجود عمدتاً به پوشاک زنان، وجوه تزئینی یا مقایسه ایران و اروپا معطوف بوده و تحلیل شمایل‌شناسانه پوشاک مردان در چارچوب بازنمایی قدرت سیاسی چندین مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر در این خلأ نظری جای می‌گیرد و می‌کوشد با ترکیب رویکرد شمایل‌شناسی سیاسی و تحلیل عناصر پوشاک در مجموعه‌ای منسجم از پرتره‌های ریگود به این پرسش پاسخ دهد که عناصر زیبایی‌شناسی باروک چگونه در پوشاک مردان خاندان بوربون به ابزاری برای بازنمایی قدرت سیاسی، مشروعیت موروثی و هویت دوگانه نظامی-درباری تبدیل شده‌اند. تمرکز ویژه بر آثار ریگود به‌عنوان چهره‌پرداز رسمی دربار که در فاصله نزدیک به چهار دهه، حدود ۱۶۸۰ تا ۱۷۲۰ پرتره اعضای گوناگون خاندان سلطنتی و نزدیکان آنان را ترسیم کرده، این امکان را فراهم می‌آورد که استمرار و هم‌تحول الگوهای بصری قدرت در طول زمان و نیز تفاوت‌های ظریف در بازنمایی اعضای مختلف سلسله‌مراتب درباری مورد واکاوی قرار گیرد. بدین‌سان، این پژوهش نه تنها به بسط دانش موجود در حوزه مد و قدرت یاری می‌رساند، بلکه از رهگذر تحلیل دقیق منابع تصویری، پرتره‌های ریگود را به‌مثابه اسنادی معتبر از فرهنگ بصری و هژمونی سیاسی فرانسه در قرن هفدهم معرفی می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

در نظام سلطنت مطلقه فرانسه در قرن هفدهم، قدرت صرفاً در قالب نهادهای سیاسی یا سازوکارهای حقوقی تعریف نمی‌شد، بلکه در سطحی نمادین و آیینی بازتولید می‌گردید. دربار ورسای^۱ به‌عنوان فضایی سازمان‌یافته برای نمایش اقتدار، بدن پادشاه و نحوه بازنمایی آن را به کانون تثبیت هژمونی بدل ساخت (Burke, 1992, 45-67). در این بستر، پوشاک درباری نه امری حاشیه‌ای، بلکه بخشی از سازوکار تولید مشروعیت سیاسی بود؛ سازوکاری که از طریق نظم بصری، تجمل کنترل‌شده و تنظیم تمایزهای دیداری، سلسله‌مراتب اجتماعی را عینیت می‌بخشید (Pastoureau, 2006, 45). در این پژوهش، مفهوم گفتمان به مجموعه‌ای از نظام‌های معنایی، نمادین و بازنمایانه اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها قدرت نه تنها اعمال، بلکه مشروع و طبیعی جلوه داده می‌شود. گفتمان در این معنا صرفاً مجموعه‌ای از گفتارها نیست، بلکه شبکه‌ای از شیوه‌های بازنمایی، آیین‌ها، تصاویر و نشانه‌هاست که در بستر اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرد و درک افراد از نظم قدرت را سامان می‌دهد (Foucault, 1980, 131-133). در دربار لویی چهاردهم، این گفتمان از طریق آیین‌های درباری، معماری ورسای، تشریفات و نیز بازنمایی‌های تصویری در پرتژه‌های رسمی تثبیت می‌شد بنابراین، فهم نسبت میان پوشاک و قدرت مستلزم عبور از توصیف ظاهری لباس و ورود به سطح تحلیل ساختاری بازنمایی است.

زیبایی‌شناسی باروک با تأکید بر اغراق فرمی، پویایی بصری، کنتراست نوری و غنای مادی، بستر ادراکی شکوه سلطنت را فراهم می‌کرد. این ویژگی‌ها در پرتژه‌های رسمی درباری، به‌ویژه در آثار مربوط به دربار لویی چهاردهم، به‌گونه‌ای سازمان می‌یافتند که پادشاه در مرکز میدان دید تثبیت شود و پیرامون او شبکه‌ای از نشانه‌های اقتدار ایجاد شود (Maral, 2016, 45). در چنین چارچوبی، نورپردازی کیاروسکورو، درخشش منسوجات فاخر، رنگ‌های اشرافی و مقیاس‌بندی فضایی، تنها عناصر زیبایی‌شناختی نیستند، بلکه زمینه‌ای برای رمزگذاری قدرت به شمار می‌آیند. بدین ترتیب، زیبایی‌شناسی باروک به زبان دیداری تثبیت اقتدار تبدیل می‌شود. برای تحلیل این زبان دیداری، پژوهش حاضر از رهیافت شمایل‌شناسی بهره می‌گیرد؛ در این پژوهش، شمایل‌شناسی به‌عنوان ابزار تحلیل عناصر دیداری و ساختارهای معنایی تصویر به کار گرفته می‌شود، در حالی که مفهوم گفتمان چارچوبی نظری برای تفسیر نحوه پیوند این معانی با سازوکارهای قدرت در بستر تاریخی سلطنت مطلقه فراهم می‌آورد. رویکردی که امکان حرکت از سطح توصیف عناصر بصری به سطح تفسیر فرهنگی و ایدئولوژیک را فراهم می‌کند. در این چارچوب، عناصر پوشاک شامل نوع پارچه، کیفیت بافت، رنگ، تزئینات، اکسسوری‌ها و ژست بدن، نخست به‌مثابه داده‌های دیداری شناسایی می‌شوند. در گام بعد، این عناصر در نسبت با رمزگان‌های فرهنگی عصر باروک خوانش می‌گردند؛ رمزگانی که نشانه‌هایی چون گل زنبق، تاج، عصای سلطنت، خز ارمنی، پاشنه قرمز یا شمشیر را به حاملان معنا بدل می‌کنند. با این حال، تحلیل در این سطح متوقف نمی‌شود، بلکه این نشانه‌ها در پیوند با ساختار سیاسی سلطنت مطلقه تفسیر می‌شوند تا نشان داده شود چگونه بازنمایی بصری به تولید و بازتولید گفتمان مشروعیت سلطنتی می‌انجامد؛ گفتمانی که در آن شکوه مادی، نظم تشریفات و تمایز طبقاتی به‌عنوان نشانه‌های طبیعی و بدیهی اقتدار پادشاه بازنمایی می‌شوند. در این چارچوب، پوشاک درباری به‌عنوان نظامی از تمایزهای سامان‌یافته فهم می‌شود.

شدت تجمل، دسترسی به منسوجات خاص، استفاده از رنگ‌های انحصاری یا نشان‌های سلطنتی، همگی ابزارهایی برای تنظیم فاصله نمادین افراد با مرکز قدرت بودند. از این منظر، پوشاک را می‌توان نوعی فناوری قدرت دانست که از طریق سازمان‌دهی تفاوت‌های دیداری، سلسله‌مراتب اجتماعی را تثبیت می‌کند (Miller, 2019, 101-134). این فناوری به‌طور هم‌زمان دو صورت از مشروعیت را بازنمایی می‌کرد: مشروعیت موروثی که در پیوند با تبار، نشان‌های سلطنتی و رنگ‌های خاص تثبیت می‌شد، و مشروعیت اکتسابی که از طریق نمایش نظم درباری، فرهیختگی، مهارت نظامی یا کارآمدی اداری عینیت می‌یافت (Saunders, 2022, 2457). بدین ترتیب، عناصر پوشاک تنها نمادهای منفرد نیستند، بلکه در ترکیب با یکدیگر شبکه‌ای منسجم از دلالت‌ها را شکل می‌دهند که در نهایت به بازتولید هژمونی سیاسی می‌انجامد. بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که بازنمایی قدرت در پرتژه‌های درباری از طریق هم‌پوشانی سه سطح به‌هم‌پیوسته عمل می‌کند: سطح زیبایی‌شناختی که شکوه و عظمت را در سطح ادراک تثبیت می‌کند؛ سطح نشانه‌ای که مفاهیم مشروعیت، تمایز و اقتدار را رمزگذاری می‌کند؛ و سطح ساختاری که این

رمزگان‌ها را در نسبت با گفتمان سلطنت مطلقه معنادار می‌سازد. تحلیل پوشاک در این پژوهش نه به‌مثابه توصیف تزئینات، بلکه به‌عنوان مطالعه سازوکار بصری تولید قدرت صورت می‌گیرد؛ سازوکاری که در آن هنر پرتره به ابزار تثبیت نظم سیاسی بدل می‌شود.

تحلیل و یافته‌ها

با اتکا به چارچوب نظری شمایل‌شناسی سیاسی و بر اساس روش تحلیل محتوای بصری، مجموعه‌ای از پرتره‌های هایسنت ریگود مورد واکاوی قرار می‌گیرند. هدف اصلی، تبیین چگونگی بازنمایی قدرت از طریق عناصر پوشاک در چارچوب زیبایی‌شناسی باروک است. بدین منظور، ابتدا پرتره لویی چهاردهم به‌عنوان نمونه پارادایماتیک^۱ به‌طور بنیادین تحلیل می‌شود و سپس سایر پرتره‌ها به‌صورت تطبیقی با آن بررسی می‌گردند تا استمرار و تحول الگوهای بصری قدرت در طول چهار دهه و در بازنمایی اعضای گوناگون خاندان بوربون و درباریان آشکار شود. تحلیل حاضر مبتنی بر گدگذاری محوری داده‌های بصری است و هدف آن استخراج الگوهای تکرارشونده در منطق بازنمایی قدرت در پرتره‌های درباری است. بنابراین تمرکز پژوهش نه بر توصیف جزئیات صوری، بلکه بر کشف سازوکارهای تولید معنا در سطح نمادین و ایدئولوژیک است.

تحلیل بنیادین پرتره لویی چهاردهم

پرتره لویی چهاردهم (تصویر ۱) اثر هایسنت ریگود، که در سال ۱۷۰۱ خلق شده، نه تنها شاخص‌ترین اثر این نقاش، بلکه یکی از مهم‌ترین اسناد بصری سلطنت مطلقه در تاریخ هنر اروپا محسوب می‌شود. این نقاشی رنگ روغن روی بوم با ابعاد ۲۷۷ × ۱۹۴ سانتی‌متر، در ابتدا به سفارش پادشاه برای نصب در کاخ ورسای و سپس به منظور اهدا به نوه‌اش فیلیپ پنجم، پادشاه اسپانیا، خلق گردید (Maral, 2016, 45). هدف غایی از آفرینش این اثر، بازنمایی مشروعیت خاندان بوربون و تثبیت هژمونی سیاسی آنان در عرصه اروپا بود.



تصویر ۱. پرتره لویی چهاردهم، ۱۷۰۱م/۱۷۲۲ق، موزه لوور (Rigaud, 1701a)

ترکیب‌بندی اثر، لویی چهاردهم را در مرکز قاب با ژستی سهربع قرار می‌دهد که از متداول‌ترین ژست‌ها در پرتره‌های درباری برای نمایش وقار و اقتدار است. دست راست پادشاه بر عصای سلطنتی تکیه دارد، نمادی مستقیم از حاکمیت سیاسی و دست چپ بر روی دسته شمشیر قرار گرفته که بر قدرت نظامی او دلالت دارد. نگاه مستقیم و نافذ پادشاه به بیرون از قاب، نوعی گفت‌وگوی بی‌واسطه با بیننده برقرار کرده و بر اعتمادبه‌نفس و تسلط او تأکید می‌ورزد. پس‌زمینه، متشکل از ستون‌های مرمرین و پرده‌های مخملین قرمز، به‌صورت ضمنی معماری کاخ ورسای را تداعی می‌کند. ستون‌ها مفاهیم استحکام، پایداری و جاودانگی قدرت را منتقل می‌سازند و پرده‌های مخملین، با چین‌خوردگی‌های پرابهت، بر شکوه و عظمت درباری صحنه می‌گذارند. به‌کارگیری تکنیک کیاروسکورو با منبع نوری از سمت چپ، ضمن برجسته‌سازی چهره و جزئیات پوشاک، به خلق درام بصری مختص هنر باروک منجر

شده است. پالت رنگی غنی، شامل آبی سلطنتی، طلایی و قرمز، نه تنها بر تجمل و شکوه حاکم تأکید دارد، بلکه هر یک از این رنگ‌ها خود حامل معانی نمادین هستند: آبی سلطنتی نشان‌دهنده مشروعیت الهی، طلایی نماد ثروت و شکوه، و قرمز مظهر اقتدار و قدرت است. در این پرتره، پوشاک فراتر از کارکرد پوششی، به منزله یک نظام نشانه‌شناختی منسجم برای بازنمایی قدرت عمل می‌کند. هر یک از اجزای لباس، با دقتی حساب‌شده انتخاب و طراحی شده تا لایه‌های مختلف معنایی مرتبط با اقتدار پادشاه را به بیننده منتقل کند. با این حال، اهمیت این اثر صرفاً در حضور نمادهای سلطنتی خلاصه نمی‌شود، بلکه در نحوه هم‌نشینی و سازمان‌یابی این عناصر در ساختار کلی تصویر است. در این پرتره، بدن پادشاه به واسطه مقیاس بزرگ، مرکزیت ترکیب‌بندی و سیطره بصری پوشاک فاخر، به کانون معنایی تصویر تبدیل می‌شود. تکرار هم‌زمان نشانه‌های مادی، فضایی و آیینی، یک منطق بازنمایی منسجم را شکل می‌دهد که در آن قدرت نه تنها نمایش داده می‌شود، بلکه طبیعی‌سازی و تثبیت می‌گردد. بدین ترتیب، پوشاک در این اثر صرفاً ابژه‌ای زیباشناختی نیست، بلکه سازوکاری بصری در بازتولید ایدئولوژی سلطنت مطلقه است. این ساختار تصویری، در چارچوب زیبایی‌شناسی هنر باروک، مبتنی بر اغراق، حرکت کنترل‌شده و دراماتیزه کردن حضور حاکم است؛ امری که به تولید تجربه‌ای عاطفی در مخاطب انجامیده و اقتدار سلطنت را در سطح ادراکی تثبیت می‌کند. جدول ۱، گدگذاری نظام‌مند عناصر بصری این پرتره را بر اساس تحلیل محتوای بصری و در پیوند با ویژگی‌های زیبایی‌شناسی باروک نشان می‌دهد.

جدول ۱- گدگذاری عناصر بصری پرتره لویی چهاردهم بر اساس تحلیل محتوای بصری-منبع: نگارندگان

عناصر بصری	ویژگی	سازوکار بازنمایی	سطح دلالت ایدئولوژیک
پارچه	مخمل آبی، ابریشم ژوستوکور ^{۲۳} ، خز قاقم ^{۲۴}	بزرگ‌نمایی مادی قدرت، ایجاد سیطره بصری	مشروعیت سلطنتی و تثبیت فاصله طبقاتی
رنگ	آبی سلطنتی، طلایی، قرمز، سفید، خز	تثبیت رمزگان سلطنتی، درام بصری	اقتدار، عظمت، طبیعی‌سازی قدرت
الگو	گلدوزی‌های طلایی گل زنبق، خز با خال‌های سیاه	بازنمایی سلسله و اشرافیت، اغراق تزئینی	مشروعیت بوربون، تمایز طبقاتی
زبور آلات	سگک‌های الماس کفش، دکمه‌های جواهرنشان	نمایش ثروت و انحصار اشراف	بازتولید سلسله‌مراتب و اقتدار اقتصادی
اکسسوری	کلاه‌گیس پودری، کفش پاشنه‌قرمز، شمشیر تزئینی، گارت ^{۲۵}	اغراق در فرم، ایجاد مرکزیت بدن سیاسی	تثبیت جایگاه پادشاه و قدرت نظامی
نمادها	گل زنبق، عصای سلطنت، تاج، ستون مرمر	تکرار رمزگان سلطنت، مرکزیت‌بخشی	مشروعیت، حاکمیت، تثبیت قدرت ایدئولوژیک

تحلیل جدول

بر اساس داده‌های گدگذاری شده در جدول ۱، هر یک از عناصر پوشاک در پرتره لویی چهاردهم معنایی نمادین یافته و در چارچوب زیبایی‌شناسی باروک به بازنمایی گفتمان سلطنت مطلقه یاری رسانده است. داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که عناصر پوشاک در این پرتره نه به صورت منفرد، بلکه در قالب شبکه‌ای هم‌پیوند عمل می‌کنند. هم‌نشینی پارچه فاخر، رنگ‌های اشباع‌شده، نمادهای سلطنتی و مقیاس بزرگ بدن پادشاه، جلوه‌ای از بزرگ‌نمایی مادی قدرت را شکل می‌دهد. در این ساختار، قدرت نه صرفاً از طریق نمادها، بلکه از طریق سیطره بصری و اشغال بخش عمده قاب توسط بدن و پوشاک پادشاه تثبیت می‌شود. از آن جمله میتوان به

پارچه ردای تاج‌گذاری توجه کرد، این ردا که از مخمل آبی دوخته شده، با گلدوزی‌های زرین گل زنبق و خز سفید قاقم تزئین گردیده است. گل زنبق، نشان دیرینه خاندان سلطنتی فرانسه، در اینجا به‌مثابه دالی بر مشروعیت الهی و تداوم تاریخی خاندان بوربون عمل می‌کند (Pastoureau, 2006, 45). خز سفید نیز به دلیل (افسانه قاقم) بگه نماد خلوص، عدالت و فسادناپذیری تبدیل شده بود و استفاده از آن منحصرأ به خاندان سلطنتی و عالی‌ترین رده‌های اشرافیت اختصاص داشت (Caviglia, 2022, 78).

ترکیب این دو عنصر در پرتره لوئی چهاردهم، پیام روشنی از حق الهی پادشاه برای حکومت را به مخاطب القا می‌کند و در عین حال به مشروعیت‌بخشی سلطنت او یاری می‌رساند. چنین بازنمایی قدرت سیاسی و ایدئولوژیک پادشاه را طبیعی و بدیهی جلوه می‌دهد. پارچه به‌کاررفته در ژوستوکور، که از ابریشم فاخر با گلدوزی‌های طلایی و دکمه‌های جواهرنشان ساخته شده است، تجلی‌گر ثروت اقتصادی و توانمندی تولیدی فرانسه به شمار می‌آید. در دوره لوئی چهاردهم، صنعت نساجی فرانسه با حمایت‌های دولتی رونق گرفت و منسوجات فاخر تولید داخل به‌تدریج جایگزین واردات پرهزینه شدند. نمایش چنین پارچه‌های گران‌بها در پرتره پادشاه نه تنها بر ثروت شخصی او و قدرت اقتصادی کشور دلالت دارد، بلکه به‌طور نمادین فاصله طبقاتی میان دربار و طبقات عادی جامعه را نیز تثبیت و برجسته می‌سازد.

اکسسوری به نمایش درآمده در پرتره لوئی چهاردهم، کلاه‌گیس با حجم عظیم و حالت‌پردازی مصنوعی می‌باشد که، یکی از بارزترین نمادهای فرهنگ درباری باروک است. این کلاه‌گیس عظیم در حال ساختن سیلوئتی مقتدرانه برای لوئی چهاردهم می‌باشد. این کلاه‌گیس با موهای فرکه عمدتاً از موی انسان یا اسب درست می‌شد در این پرتره کارکردی دوگانه داشته است، از یک سو، کاستی‌های طبیعی چهره پادشاه را پنهان ساخته و چهره‌ای ایده‌آل و یکسان‌سازی‌شده به چهره لوئی چهاردهم بخشیده است و از سوی دیگر، نظم و انضباط دقیق حاکم بر فرهنگ درباری را در حال بازنمایی است (Saint-Simon, 2016, 123).

کفش پاشنه قرمز از جمله اکسسوری بسیار مهمی در دوره باروک بوده که در این پرتره نیز استفاده شده است این کفش‌های پاشنه قرمز از بارزترین مصادیق تمایز طبقاتی در دربار ورسای بود. این امتیاز که منحصرأ به درباریان نزدیک به پادشاه اعطا می‌شد، مستقیماً به قدرت پادشاه خورشید ارجاع می‌داد (Miller, 2019, 101). کفش پاشنه قرمز از دوران سلطنت لوئی چهاردهم در فرانسه به نمادی از اعتبار، منزلت اجتماعی و قدرت سیاسی تبدیل شد. در دربار ورسای، پوشیدن چنین کفشی تنها برای افرادی از جمله اشراف بلندپایه، وزرا و نخبگان درباری مجاز بود که به پادشاه نزدیک بودند؛ بدین ترتیب پاشنه قرمز نه صرفاً یک عنصر تزئینی، بلکه نشانه‌ای آشکار از جایگاه اجتماعی و میزان نزدیکی فرد به قدرت سلطنتی به شمار می‌رفت. از سوی دیگر، رنگ قرمز در زمان لوئی چهاردهم ارزشی ویژه داشت. تهیه رنگدانه‌های قرمز بسیار دشوار و پرهزینه بود و به همین دلیل این رنگ در فرهنگ درباری اروپا با مفاهیمی چون قدرت، شکوه، ثروت و اقتدار پیوند خورده بود. بنابراین استفاده از پاشنه قرمز در کفش‌ها، افزون بر جلوه بصری، حامل معنایی نمادین نیز بود و جایگاه ممتاز صاحب آن را در ساختار اجتماعی دربار برجسته می‌ساخت.

در پرتره لوئی چهاردهم نیز این نماد به‌خوبی دیده می‌شود؛ جایی که کفش‌های پاشنه‌قرمز همراه با سگک‌های الماس‌نشان به تصویر کشیده شده‌اند. چنین جزئیاتی صرفاً جنبه زیبایی‌شناختی ندارند، بلکه حامل معنایی نمادین هستند. نمایش آشکار این کفش‌ها تأکیدی بر اقتدار، شکوه سلطنتی و جایگاه برتر او در رأس هرم قدرت است. از آنجا که استفاده از پاشنه قرمز در دربار نشانه‌ای از امتیاز و نزدیکی به پادشاه بود، به تصویر کشیدن خود لوئی چهاردهم با چنین کفشی در واقع بیانگر این نکته است که سرچشمه این امتیاز و اقتدار در شخص پادشاه قرار دارد و او مرکز و منشأ قدرت در نظام درباری محسوب می‌شود.

گارت در پرتره لوئی چهاردهم به صورت، بندی تزئینی دیده می‌شود که جوراب‌های بلند ابریشمی پادشاه را بر روی ساق پا نگه می‌دارد. این اکسسوری در پوشاک اشرافی قرن هفدهم علاوه بر کارکرد عملی، عنصری مهم در نمایش ظرافت و شکوه پوشش درباری به شمار می‌رفت. گارترها معمولاً از روبان‌های ابریشمی فاخر و تزیینات ظریف ساخته می‌شدند و در پرتره لوئی چهاردهم نیز نمایش این جزئیات در کنار کفش‌های پاشنه‌قرمز و جوراب‌های سفید ابریشمی، نه تنها جلوه‌ای از زیبایی‌شناسی مد دربار ورسای را بازتاب می‌دهد، بلکه بر شکوه، ثروت و جایگاه ممتاز پادشاه در نظام درباری تأکید می‌کند.

شمشیر زراندود و جواهرنشان در این پرتره بیش از آنکه یک ابزار جنگی باشد، نمادی از شرافت، منزلت و هویت اشرافی به شمار می‌آید. در ساختار اجتماعی دربار فرانسه، حق حمل شمشیر امتیازی بود که تنها به طبقه اشراف اعطا می‌شد و نشانه‌ای از نجابت، افتخار و جایگاه ممتاز اجتماعی آنان محسوب می‌گردید. از این‌رو، نمایش شمشیر در پرتره نه صرفاً یک عنصر تزئینی، بلکه تأکیدی بر تعلق لوئی چهاردهم به طبقه نجیب‌زادگان و جایگاه والای آن در نظام درباری است. افزون بر این، حضور شمشیر در چنین تصویر رسمی یادآور اقتدار نظامی سلطنت و نقش پادشاه به عنوان فرمانده و نماد قدرت سیاسی و نظامی کشور نیز می‌باشد.

قرارگیری عصا در دست راست پادشاه نشانه‌ای از حاکمیت و اقتدار سیاسی اوست و به‌گونه‌ای نمادین قدرت فرمانروایی و جایگاه برتر وی در ساختار قدرت را بازنمایی می‌کند. تاج نیز که به جای قرار گرفتن بر سر پادشاه، بر روی میزی در کنار او قرار داده شده است، به شکلی ظریف بر مشروعیت و حقانیت انکارناپذیر سلطنت دلالت دارد. این شیوه نمایش القا می‌کند که اقتدار پادشاه چنان تثبیت شده و پذیرفته شده است که نیازی به نمایش مستقیم تاج بر سر ندارد. بدین ترتیب، ترکیب این عناصر در تصویر نه تنها بیانگر حاکمیت پادشاه است، بلکه به نوعی تثبیت قدرت ایدئولوژیک سلطنت را نیز به نمایش می‌گذارد؛ قدرتی که فراتر از نشانه‌های ظاهری، در خود شخصیت و جایگاه پادشاه تجسم یافته است.

در مجموع، تحلیل جدول ۱ نشان می‌دهد که عناصر پوشاک در این پرتره مبتنی بر سه سازوکار اصلی در بازنمایی قدرت می‌باشد. نخست، مادی‌سازی اقتدار از طریق پارچه‌های فاخر و زیورآلات گران‌بها؛ دوم، مرکزیت‌بخشی به بدن حاکم در ترکیب‌بندی؛ و سوم، تکرار نشانه‌های سلطنتی برای طبیعی‌سازی مشروعیت، بدین ترتیب، پوشاک در این اثر نه یک مؤلفه تزئینی، بلکه سطحی ایدئولوژیک است که «بدن سیاسی» پادشاه را ایجاد و تثبیت می‌کند.

تحلیل تطبیقی سایر پرتره‌های ریگود

ریگود در طول چهار دهه فعالیت خود، پرتره‌های متعددی از اعضای خاندان سلطنتی، اشراف و نجیبان درباری خلق کرد که هر یک به‌نوبه خود، وجوهی از این الگوی بصری را بازتولید، تحول‌بخشی یا با شرایط خاص سوژه تطبیق داده‌اند. در این بخش، با نگاهی تطبیقی و بر اساس داده‌های ارائه‌شده در جدول ۲، استمرار و تحول این الگوها در مجموعه‌ای از پرتره‌های شاخص ریگود واکاوی می‌شود.

جدول ۲. عناصر بصری و گندهای قدرت در پرتره‌های ریگود - منبع: نگارندگان

پرتره	مشخصات اثر	عناصر کلیدی پوشاک	سازوکار بازنمایی	سطح دلالت ایدئولوژیک
	تصویر ۲. پرتره فیلیپ پنجم، ۱۷۰۱م/۱۱۱۲ه.ق، موزه پرادو (Rigaud, 1701b)	ردا مخمل آبی، گلدوزی گل زنبق، ژوستوکور ابریشمی، کلاه‌گیس	تکرار رمزگان سلطنتی، بزرگ‌نمایی ثروت و مشروعیت خانوادگی	مشروعیت خاندانی، تثبیت هژمونی فرهنگی فرانسه
	تصویر ۳. لوئی گراند دو فن، ۱۶۸۹ م/۱۱۰ه.ق، موزه پرادو (Rigaud, 1689)	زره کامل، کلاه‌گیس حجیم، عصای فرماندهی، نشان روح‌القدس	ترکیب قدرت نظامی و فرهنگ درباری، نمایش مهارت فرماندهی	هویت دوگانه ولیعهد: فرماندهی نظامی و تسلط بر آداب درباری
	تصویر ۴. پرتره لوئی پانزدهم در کودکی،	ردا سلطنتی، گلدوزی گل زنبق، خز قاقم، تاج بر روی کوسن، شمشیر تشریفاتی	نمایش قدرت موروثی، تضاد اندام کودک و نمادهای سنگین قدرت	مشروعیت ذاتی، انتقال قدرت از طریق تبار

			۱۷۱۶م/۱۱۲۸ه.ق، کاخ ورسای (Rigaud, 1716)	
مشروعیت اکتسابی و استمرار سلسله	تکرار ژست و کدهای لویی چهاردهم، تأکید بر استمرار سلسله	ردا تاج‌گذاری، کفش پاشنه‌قرمز، عصای سلطنت، تاج بر سر	تصویر ۵. پرتره لویی پانزدهم در لباس تاج‌گذاری، ۱۷۱۰م/۱۱۲۱ه.ق، کاخ ورسای (Rigaud, 1730)	
مشروعیت مبتنی بر نبوغ و توانمندی فردی	نمایش شایستگی فردی و جایگاه روشنفکری، کنتراست با پوشاک اشراف	جلیقه قرمز نارنجی با گلدوزی طلایی، کت تیره	تصویر ۶. ولتر ، ۱۷۲۵م/۱۱۳۷ه.ق، کاخ ورسای (Rigaud, 1725)	
استمرار خاندانی، آماده‌سازی برای فرماندهی	ترکیب مشروعیت موروثی و قدرت نظامی، بازنمایی ولیعهد	زره، ردا سلطنتی با آستر خز قاقم ، عصای فرماندهی، نشان روح‌القدس	تصویر ۷. پرتره لویی دوک بورگوندی، ۱۷۰۴م/۱۱۱۵ه.ق، کاخ ورسای (Rigaud, 1704)	
مشروعیت نهادی و هم‌راستایی با سلطنت	بازنمایی جایگاه نهادی، تأکید بر مشروعیت مذهبی و قانونی	ردا قرمز کاردینالی، مورتا سفید، نشان روح‌القدس، سند در دست	تصویر ۸. پرتره کاردینال آندره- هرکول دو فلوری، ۱۷۲۸ م/۱۱۴۰ه.ق، موزه هنر کلیولند (Rigaud, 1728)	
مشروعیت نهادی و وابستگی به سلطنت	نمایش جایگاه قضایی و وفاداری به سلسله‌مراتب سلطنتی	ردا رسمی قرمز، خز قاقم ، کلاه قضایی، کراوات توری	تصویر ۹. پرتره گاسپار د گیدان و پرزیدنت، ۱۷۱۰ م/۱۱۲۱ه.ق، کاخ ورسای (Rigaud, 1710)	
مشروعیت مبتنی بر شایستگی و تخصص	بازنمایی توانمندی فنی و تخصص، ایجاد تمایز با اشراف سنتی	ژاکت مخملی بنفش، جلیقه زریفت، پرگار و کتاب معماری، کلاه‌گیس	تصویر ۱۰. پرتره روبر دو کوت، ۱۷۱۳ م/۱۱۲۴ه.ق، موزه لوور (Rigaud, 1713)	

<p>مشروعیت حرفه‌ای و وابستگی فرهنگی به سلطنت</p>	<p>بازنمایی جایگاه حرفه‌ای و نفوذ فرهنگی، اتصال به زبان بصری سلطنت</p>	<p>ردا آبی با گلدوزی گل زنبق، نشان سن-میشل^{۲۷} پرتولیو و نقشه معماری</p>	<p>تصویر ۱۱. پرتره ژول آردوئن-مانسار، ۱۶۸۵/۹۶ه.ق موزه لوور (Rigaud, 1685)</p>	
<p>مشروعیت مبتنی بر شایستگی فنی</p>	<p>بازنمایی قدرت هنری و مهارت تخصصی، تمایز از اشراف</p>	<p>لباس کار، مجسمه نیم‌تنه در حال لمس، کلاه گیس حجیم</p>	<p>تصویر ۱۲. پرتره فرانسوا ژیراردون، ۱۷۰۵ م/۱۱۱۶ه.ق، موزه لوور (Rigaud, 1705)</p>	
<p>مشروعیت بین‌المللی و اقتباس از مرجع فرهنگی فرانسه</p>	<p>تلفیق الگوی فرانسوی با قدرت نظامی، مشروعیت بین‌المللی</p>	<p>ژوستوکور سرخابی با گلدوزی طلا، زره زبرین، شمشیر تزئینی</p>	<p>تصویر ۱۳. آگوستوس دوم ۱۷۲۰ م/۱۱۳۲ه.ق، موزه لوور (Rigaud, 1720)</p>	
<p>مشروعیت موروثی و استمرار جایگاه اشرافی</p>	<p>بازنمایی اقتدار نظامی و جایگاه دربار، پیوند با الگوی سلطنتی</p>	<p>زره فلزی، پیراهن کتان سفید، کراوات توری حجیم، دستکش چرمی</p>	<p>تصویر ۱۴. فیلیپ دورلن، دوک اورلئان ۱۷۱۰ م/۱۱۲۱ه.ق، موزه لوور (Rigaud, 1710)</p>	

مقایسه گدهای بصری مستخرج از پرتره‌های مختلف ریگود از جدول ۲ شبکه‌ای منسجم از گفتمان‌های قدرت را آشکار می‌سازد که ذیل یک زبان بصری واحد صورت‌بندی شده‌اند. الگوی ابداع‌شده در پرتره لویی چهاردهم، به‌عنوان متن بنیادین، چنان انعطافی دارد که می‌تواند طیفی از مشروعیت موروثی تا مشروعیت اکتسابی را در سطوح مختلف سلسله‌مراتب اجتماعی پوشش دهد. این الگوها از طریق تکرار انتخاب‌های بصری مشخص، تلفیق گدهای پوشاک و بازنمایی ژست، به‌صورت هم‌زمان استمرار سنت سلطنتی و تحول معنایی در بازنمایی قدرت را ممکن می‌سازند. تحلیل نظام‌مند پرتره‌ها، چندین گفتمان متمایز اما به‌هم‌پیوسته را در بازنمایی قدرت نمایان می‌کند.

گفتمان مشروعیت موروثی و تداوم دودمانی

این گفتمان در پرتره‌های اعضای اصلی خاندان بوربون (تصاویر ۲، ۴، ۵) غلبه دارد. سازوکار بازنمایی در اینجا مبتنی بر تکرار و تأکید بر نشان‌های دودمانی است. عناصری همانند ردای سلطنتی با گلدوزی گل زنبق، خز قاقم، تاج و عصای سلطنت نه صرفاً تزئین، که به‌مثابه عنصر نشانه‌ای عمل می‌کنند، که مشروعیت را نه به‌عنوان ویژگی فردی، بلکه به‌عنوان خاصیتی ذاتی و نسلی بازنمایی می‌کنند. تکرار این رمزگان در پرتره لویی پانزدهم در بزرگسالی و تطابق آن با ژست و ترکیب‌بندی پرتره لویی چهاردهم، به‌وضوح "سیاست همانندسازی بصری" را نشان می‌دهد که هدف آن تثبیت هژمونی فرهنگی و طبیعی‌سازی تداوم سلسله است.

گفتمان هویت دوگانه

پرتره‌های ولیعهدان (تصاویر ۳،۷) صحنه‌ی برخورد و تلفیق دو جهان ارزشی متفاوت هستند. تلفیق زره به‌عنوان نماد قدرت نظامی و شجاعت با کلاه‌گیس و پوشاک فاخر درباری به‌عنوان نماد تمدن هویتی دوگانه را بازمی‌نماید که بیانگر انتظارات متضاد از ولیعهد است. او باید هم فرماندهی مقتدر ارتش و هم درباری‌ای کامل باشد. این ترکیب، نشان می‌دهد که مشروعیت در آستانه‌ی جانشینی، نیازمند تأیید در هر دو ساحت قدرت سخت و قدرت نرم است.

گفتمان مشروعیت اکتسابی

این گفتمان که نقطه‌ی مقابل مشروعیت موروثی است، در پرتره‌های نخبگان فنی و هنری (تصاویر ۱۱،۱۲، ۱۰، ۶) ظهور می‌کند. سازوکار بازنمایی در اینجا ترکیب منسوجات فاخر که تعلق به طبقه‌ی مرفه را تضمین می‌کند با ابزارهای حرفه‌ای پرگار، کتاب معماری، مجسمه، قلم است. این ترکیب، گفتمان نوظهور "قدرت مبتنی بر دانش و مهارت" را مشروعیت می‌بخشد و نشان می‌دهد که در آستانه‌ی عصر روشنگری، شایستگی فردی می‌تواند در کنار تبار، منبعی برای کسب جایگاه والای اجتماعی باشد. پرتره ولتر با جلیقه درخشان خود، اوج این گفتمان است که در آن "نبوغ فکری" به‌مثابه منبعی برای مشروعیت، در برابری هم‌تراز با نشان‌های خاندانی قرار می‌گیرد.

گفتمان مشروعیت نهادی

پرتره‌های کاردینال‌ها و صاحب‌منصبان بلندپایه (تصاویر ۸،۹،۱۴) گفتمانی دیگر را بازمی‌نمایند. در اینجا، به‌جای نشان‌های مستقیم خاندانی، شاهد هم‌نشینی لباس‌های فاخر که منزلت والای فردی را نشان می‌دهد با نشان‌های سلطنتی یا عناصر معماری و قضایی هستیم. این ترکیب، پیوند و هم‌راستایی نهادهای قدرت کلیسا، قضا با گفتمان سلطنت مطلقه را عینیت می‌بخشد و نشان می‌دهد که مشروعیت این نهادها در گرو وفاداری و انتساب آن‌ها به مرکزیت قدرت سلطنتی تعریف می‌شود.

گفتمان بین‌المللی قدرت

پرتره آگوستوس دوم (تصویر ۱۳)، پادشاه لهستان، نمونه‌ای از اقتباس استراتژیک زبان بصری ورسای در سطح فراملی است. تلفیق ژوستوکور فرانسوی با عناصر نظامی، نشان می‌دهد که این زبان بصری به‌مثابه "کالایی فرهنگی" و ابزاری برای مشروعیت‌بخشی، فراتر از مرزهای فرانسه نیز کارآمد بوده است. آگوستوس دوم با به‌کارگیری این رمزگان، نه صرفاً ذائقه‌ای هنری، بلکه ادعای خود برای هم‌ترازی با قدرت‌های بزرگ اروپایی را به نمایش می‌گذارد.

تحلیل تطبیقی این پرتره‌ها آشکار می‌سازد که ریگود با بهره‌گیری از مجموعه‌ای ثابت و قابل تشخیص از گداهای بصری شامل پارچه‌های فاخر، رنگ‌های خاص، نشان‌ها، ژست‌ها، زبان بصری منعطف و در عین حال منسجم خلق کرده است که توانایی بازنمایی طیفی از گفتمان‌های قدرت از مشروعیت دودمانی و هویت دوگانه تا شایستگی فردی و مشروعیت نهادی را دارد. این انعطاف‌پذیری، نه تنها استمرار سلسله‌ای را تضمین می‌کند، بلکه تحول معنایی در مفهوم قدرت و ظهور منابع جدید مشروعیت را نیز در چارچوبی سلطنتی مستند می‌سازد. پرتره‌های ریگود بدین‌سان، به‌مثابه "نقشه‌ای بصری" از ساختار پیچیده قدرت در آستانه ورود به عصر روشنگری عمل می‌کنند؛ نقشه‌ای که در آن پوشاک، رسانه‌ای برای صورت‌بندی، تمایز و بازتولید سطوح گوناگون هژمونی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین چگونگی تبدیل عناصر زیبایی‌شناسی باروک در پوشاک مردانه به ابزاری برای بازنمایی قدرت سیاسی، به تحلیل شمایل‌شناسانه مجموعه‌ای منسجم از پرتره‌های هایسنت ریگود، به‌ویژه پرتره کانونی لویی چهاردهم (تصویر ۱) پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که پوشاک درباری در این پرتره‌ها نه صرفاً عنصری تزئینی، بلکه نظامی نشانه‌شناختی است که از طریق آن گفتمان سلطنت مطلقه صورت‌بندی و بازتولید می‌شود.

بر اساس تحلیل عناصر پوشاک در پرتره لویی چهاردهم و تطبیق آن با سایر آثار، می‌توان مدل سه‌لایه‌ای بازنمایی قدرت در پوشاک را استخراج کرد. لایه نمایشی شامل کیفیت منسوجات، رنگ‌ها و تزئینات که بر ثروت و شکوه دلالت دارد؛ لایه نمادین متشکل از

نشان‌های سلطنتی که مشروعیت دودمانی را منتقل می‌کند؛ و لایه ایدئولوژیک که حاصل تعامل دو لایه پیشین با ژست و ترکیب‌بندی است و بدن سیاسی پادشاه را به‌مثابه نظم‌ی الهی طبیعی‌سازی می‌کند.

تحلیل تطبیقی پُرت‌های ریگود در جدول ۲ نشان داد که این مدل سه‌لایه‌ای صرفاً به پادشاه اختصاص ندارد، بلکه به‌عنوان زبان بصری هنجارین، طیفی از گفتمان‌های قدرت را در سطوح مختلف سلسله‌مراتب اجتماعی پوشش می‌دهد: از گفتمان مشروعیت موروثی در پُرت‌های خاندان سلطنتی، تا گفتمان هویت دوگانه در پُرت‌های ولیعهدان، گفتمان مشروعیت اکتسابی در پُرت‌های نخبگان فنی و هنری، و گفتمان بین‌المللی قدرت در نمونه‌های فراملی را شامل می‌شود. این تنوع گفتمانی، ضمن حفظ انسجام زبان بصری، انعطاف‌پذیری الگوی ابداع‌شده توسط ریگود را در بازنمایی سطوح گوناگون قدرت آشکار می‌سازد.

نوآوری پژوهش حاضر در رویکرد ترکیبی آن نهفته است که برای نخستین بار با تلفیق شمایل‌شناسی پانوفسکی و تحلیل نظام‌مند عناصر پوشاک در مجموعه‌ای منسجم از پُرت‌های یک نقاش خاص، امکان ردیابی تحول و تداوم الگوهای بصری قدرت را در طول چهار دهه فراهم آورده است. بدین ترتیب، پُرت‌های ریگود نه صرفاً تصاویری از افراد، بلکه اسنادی معتبر از فرهنگ بصری و هژمونی سیاسی فرانسه در سده‌های هفدهم و هجدهم هستند؛ اسنادی که در آن‌ها پوشاک به رسانه‌ای مؤثر برای صورت‌بندی، تمایز و بازتولید سطوح گوناگون قدرت تبدیل شده است.

پی‌نوشت

- ۱Louis XIV
- ۲Baroque style
- ۳Fashion
- ۴Hyacinth Rigaud
- ۵Hegemony
- ۶Rembrandt Harmenszoon van Rijn
- ۷Peter Burke
- ۸The Fabrication of Louis XIV

۹. استفاده هدفمند از هنر، نمادها و رسانه برای تقویت اقتدار و مشروعیت حاکمان (Burke, 1992: 45).

- ۱Philip Miller
- ۱Fashioning the Sun King: Dress and Power in Louis XIV's France
- ۱Alexander Maral
- ۱Portraiture at the Court of Louis XIV
- ۱Wittoria Saunders
- ۱Baroque Portraiture and the Aesthetics of Power

۱۶. استفاده از تضاد شدید نور و سایه در نقاشی برای ایجاد درام بصری و عمق (Hall, 2014, 67).

- ۱Susan Kavelia
- ۱Courtly Fashion: Dress and Identity in Early Modern Europe
- ۱Château de Versailles
- ۲Hegemony

۲۱. واژه پارادایماتیک (Paradigmatic) برای توصیف یک نمونه یا پدیده‌ای به کار می‌رود که به دلیل تجسم کامل و برجسته‌ی ویژگی‌های یک سبک، دوره یا مفهوم خاص، به عنوان یک الگو، معیار و سرمشق اصلی برای سایر نمونه‌ها شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، یک اثر پارادایماتیک، یک مورد کلاسیک است که سایر موارد در مقایسه با آن تحلیل و ارزیابی می‌شوند (Given, 2015, 219).

- ۲Philip V

۲۳. ژوستوکور (justaucorps) کت بلند تا زانو در مد مردانه قرن هفدهم فرانسه، نماد تجمل و جایگاه اجتماعی در دربار لویی چهاردهم (Vincent, 2018, 89).

۲۴. قافم (Ermine) خز بسیار گران‌بها و کمیاب که از پوست سفیدرنگ حیوانی به همین نام (از خانواده راسو) با نوک دم سیاه تهیه می‌شود (Woodcock & Robinson, 1988, 89).

۲۵. گارتر (Garter) در پوشاک اروپای قرن هفدهم بندی تزئینی بود که برای نگه داشتن جوراب‌های بلند روی ساق پا استفاده می‌شد.

۲۶. در روایتی افسانه‌ای از قرون وسطی گفته می‌شد، شکارچیان برای به دام انداختن قاقم اطراف لانه او را با گل و لای می‌پوشاندند. هنگامی که حیوان می‌خواست بگریزد، با مسیری آلوده روبه‌رو می‌شد که عبور از آن باعث کثیف شدن خز سفیدش می‌گردید. بر اساس این داستان، قاقم ترجیح می‌داد تسلیم شکارچی شود تا اینکه از میان گل عبور کند و خز سفیدش آلوده شود (Pastoureau, 2001, 102).

۲۷. نشان افتخار سن-میشل (Ordre de Saint-Michel) یک نشان شوالیه فرانسوی که در سال ۱۴۶۹ توسط لوئی یازدهم ایجاد شد. اگرچه در ابتدا معتبرترین نشان افتخار بود، اما پس از ایجاد «نشان روح‌القدس»، به دومین نشان عالی کشور تبدیل شد و در دوره باروک اغلب به هنرمندان، معماران و مقامات دولتی برجسته به پاس خدمات و استعدادشان اعطا می‌گردید (Boulton, 1986, 427).

منابع

احمدخانی، مطهره (۱۳۹۷). *مطالعه تحلیلی و تطبیقی پارچه و لباس‌های دوره صفویه و دوره باروک اروپا*، [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ]. تهران.

ابدیخواه فتیده، شعله و محمودی عالمی، علی (۱۳۹۹). نمود سبک هنری باروک و روکوکو بر صنعت پوشاک بانوان. *نخستین کنفرانس ملی پوشاک*، موسسه آموزش عالی آیدانا شیراز، ایران.

جلیلی، اعظم (۱۳۹۶). *مطالعه تطبیقی پوشاک در مکتب اصفهان با مکتب باروک با تکیه بر آثار تصویری (۱۵۹۰-۱۷۲۰)*، [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ]. تهران.

سعادت‌فر، حجت‌اله (۱۳۹۸). درآمدی بر تحلیل ساختاری روابط بینامتنیت در نقاشی باروک (بر اساس بینامتنیت صریح و ضمنی در نظریه ژرار ژنت). *پیکره*، ۸(۱۵)، ۱-۱۶. <https://doi.org/10.22055/pyk.2019.1480516>

نادری، پگاه (۱۳۹۹). *مطالعه تطبیقی سبک باروک بر ادبیات و نقاشی*. نهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

- Boulton, D. J. D. (1986). *The Knights of the Crown: The monarchical orders of knighthood in later medieval Europe, 1325–1520*. Boydell Press.
- Burke, P. (1992). *The courtier in Renaissance Europe*. Polity Press.
- Caviglia, S. (2022). *Courtly fashion: Dress and identity in early modern Europe*. Bloomsbury Academic.
- DeJean, J. (2005). *The essence of style: How the French invented high fashion*. Free Press.
- Given, L. M. (Ed.). (2015). Paradigmatic knowledge claim. In *The SAGE dictionary of qualitative inquiry* (4th ed., p. 219). SAGE Publications.
- Foucault, M. (1980). *Power/knowledge: Selected interviews and other writings, 1972–1977* (C. Gordon, Ed.). Pantheon Books.
- Lyons, J. D. (Ed.). (2019). *The Oxford handbook of the Baroque*. Oxford University Press.
- Maral, A. (2016). *Portraiture at the court of Louis XIV*. Getty Publications.
- Miller, P. (2019). *Fashioning the Sun King: Dress and power in Louis XIV's France*. Bloomsbury Academic.
- Panofsky, E. (1939). *Studies in iconology: Humanistic themes in the art of the Renaissance*. Oxford University Press.
- Pastoureau, M. (2006). *Symbols of power: Heraldry and iconography in Baroque art*. Routledge.
- Pastoureau, M. (2001) *The Devil's Cloth: A History of Stripes and Striped Fabric*. Columbia University Press.
- Rose, G. (2016). *Visual methodologies: An introduction to researching with visual materials* (4th ed.). Sage Publications.
- Saint-Simon, L. de. (2016). *Memoirs of the court of Louis XIV* (L. Norton, Trans.). Cambridge University Press.
- Saunders, V. (2022). Baroque portraiture and the aesthetics of power. *Art History*, 45(3), 2456–2470. <https://doi.org/10.1111/1477-4658.12678>

Vincent, S. (2018). *Dressing the elite: Clothes in early modern Europe*. Bloomsbury Academic.

Woodcock, T., & Robinson, J. M. (1988). *The Oxford guide to heraldry*. Oxford University Press.

Rigaud, H. (1701a). Louis XIV [Painting]. Louvre Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Louis_XIV_of_France.jpg

Rigaud, H. (1701b). Philip V of Spain [Painting]. Prado Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Philip_V_of_Spain.jpg

Rigaud, H. (1689). François de Troy 005 [Painting]. Prado Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Fran%C3%A7ois_de_Troy_005.jpg

Rigaud, H. (1716). Musée Ingres-Bourdelle - Portrait de Louis XV enfant [Painting]. Palace of Versailles. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Mus%C3%A9e_Ingres-Bourdelle_-_Portrait_de_Louis_XV_enfant_-_Hyacinthe_Rigaud_-_Joconde06070000235.jpg

Rigaud, H. (1710-1774). Louis XV France by Louis-Michel van Loo 002 [Painting]. Museum of Versailles. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Louis_XV_France_by_Louis-Michel_van_Loo_002.jpg

Rigaud, H. (1724-1725). Nicolas de Largillière, François-Marie Arouet dit Voltaire adjusted [Painting]. Museum of Versailles. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Nicolas_de_Largillière,%20François-Marie_Arouet_dit_Voltaire_adjusted.png

Rigaud, H. (1704). portrait of Louis Antoine de Pardaillan de Gondrin [Painting]. Palace of Versailles. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:1710_portrait_of_Louis_Antoine_de_Pardaillan_de_Gondrin,_Duke_of_Antin_wearing_the_Order_of_the_Holy_Spirit_by_Hyacinthe_Rigaud_\(Versailles\).jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:1710_portrait_of_Louis_Antoine_de_Pardaillan_de_Gondrin,_Duke_of_Antin_wearing_the_Order_of_the_Holy_Spirit_by_Hyacinthe_Rigaud_(Versailles).jpg)

Rigaud, H. (1728). Portrait of Cardinal Guillaume Dubois - 1967.17 - Cleveland Museum of Art [Painting]. Cleveland Museum of Art. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Hyacinthe_Rigaud_-_Portrait_of_Cardinal_Guillaume_Dubois_-_1967.17_-_Cleveland_Museum_of_Art.jpg

Rigaud, H. (1708-1710). Portrait de Gaspard de Gueidan en président à mortier [Painting]. Palace of Versailles. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Hyacinthe_Rigaud_-_Portrait_de_Gaspard_de_Gueidan_en_pr%C3%A9sident_%C3%A0_mortier.jpg

Rigaud, H. (1713). Robert de Cotte (Louvre) [Painting]. Louvre Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:1713_-_Robert_de_Cotte_\(Louvre\).jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:1713_-_Robert_de_Cotte_(Louvre).jpg)

Rigaud, H. (1685). Jules Hardouin-Mansart [Painting]. Louvre Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Jules_Hardouin-Mansart,_Hyacinthe_Rigaud.jpg

Rigaud, H. (1705). Portrait of François Girardon [Painting]. Louvre Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, https://commons.wikimedia.org/wiki/File:P7220016_DxO.jpg

Rigaud, H. (1680-1720). August II (1670-1733) [Painting]. Louvre Museum. Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:August_II_\(1670-1733\).jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:August_II_(1670-1733).jpg)

Rigaud, H. (1710-1717). Portrait of Philippe d'Orléans, Duke of Orléans in armour by Jean-Baptiste Santerre [Painting]. Louvre Museum Wikimedia Commons. Retrieved February 26, 2026, https://en.wikipedia.org/wiki/File:Portrait_of_Philippe_d%27Orl%C3%A9ans,_Duke_of_Orl%C3%A9ans_in_armour_by_Jean-Baptiste_Santerre.png

The Representation of the Discourse of Power in French Baroque Men's Court Attire: An Iconographic Study of Hyacinthe Rigaud's Portraits.

Abstract

In seventeenth-century France, during the reign of Louis XIV, men's court dress transcended its decorative and ceremonial functions, becoming a strategic visual instrument for representing political authority. Within the theatrical culture of the Baroque court, clothing functioned as a medium through which hierarchy, legitimacy, and ideological power were communicated and reinforced. Although Baroque culture is associated with spectacle, opulence, and magnificence, the use of its aesthetic components in men's court attire as a mechanism for legitimizing political authority has received limited scholarly attention. This study examines how the aesthetic language of Baroque fashion operated as a visual apparatus for representing and stabilizing power within seventeenth-century French court culture.

The study examines a coherent corpus of portraits by Hyacinthe Rigaud, one of the leading portrait painters of the French court, with particular emphasis on his renowned portrait of Louis XIV (1701) as the central case study. Employing a qualitative, descriptive analytical approach, the research analyzes visual elements of clothing through three analytical levels: descriptive, connotative, and ideological. Within this framework, garments, fabrics, colors, ornaments, and insignia are interpreted as meaningful visual signs operating within a broader discourse of power.

The findings show that court attire in Rigaud's portraits functions as a structured semiotic system rather than mere decoration. Luxurious textiles and rich ornamentation signify wealth and aristocratic status, while royal insignia convey dynastic legitimacy. Through the interaction of costume, posture, and composition, these elements ultimately naturalize royal authority by aligning the king's political body with a divinely sanctioned order.

Comparison of Louis XIV's portrait with other portraits of members of the Bourbon dynasty and prominent court figures reveals a three-layered model for the representation of power in court dress. The performative layer highlights magnificence through the visual richness of fabrics, colors, and decorative details. The symbolic layer conveys dynastic legitimacy through heraldic markers and royal insignia. The ideological layer emerges from the interaction between these visual signs and the compositional structure of the portrait, through which royal authority is stabilized and naturalized.

Comparative analysis further demonstrates that this visual model extends beyond royal imagery and functions as a normative visual language within the broader hierarchy of the court. Portraits of royal family members emphasize hereditary legitimacy, while those of courtiers and cultural elites articulate forms of acquired prestige and social distinction. This diversity reveals the flexibility of Rigaud's visual language in representing different manifestations of authority across different ranks.

Methodologically, the study contributes by combining Panofskian iconographic analysis with a systematic examination of costume elements within a unified corpus of works by a single painter. This approach makes it possible to trace both the continuity and gradual transformation of visual strategies of power across four decades. Consequently, Rigaud's portraits can be understood not merely as depictions of individuals but also as significant visual documents of France's political culture and ideological hegemony in the seventeenth and early eighteenth centuries. Within these works, clothing operates as an effective visual medium through which hierarchical power is articulated, differentiated, and reproduced within the representational system of the absolutist court.

Keyword

Baroque portraiture, court attire, Louis XIV, Hyacinthe Rigaud, iconography

آماده انتشار فدرهای زیبا